

درباره‌ی «صد سال داستان نویسی»

و ماهنامه‌ی:

«بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات»

دهبشی عزیز و گرامی

پس از سلام و احترام، در شماره‌ی هفتم ماهنامه‌ی پر بار «کلک» - مهر ۱۳۶۹ - ضمن چاپ نوشته‌ای تحت عنوان «توفیق، عبرتی و حکایتی»، از نشریات «گذشته معاصر» سخن به میان آمده بود و از روزنامه‌ی «توفیق» به روایت «دکتر علی شریعتی». با چنین درخواستی در پایان که: «هر کس سراغی از مطالبی بدینگونه دارد، ما را بی‌خبر نگذارد».

مطلب حاضر ملاحظاتی است در حاشیه‌ی اشارات «حسن عابدینی» نویسنده‌ی کتاب «صدسال داستان نویسی در ایران - جلد دوم» به ماهنامه‌ی «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات»، که به درخواست و پی‌گیری دوست نویسنده‌ام «بهزاد عشقی»، برای ثبت در تاریخ مطبوعات مستقل هنری و ادبی ایران، ضمن گفت‌وشنودی، در هفته‌نامه‌ی محلی «کادح» رشت - اردیبهشت ۱۳۶۹ - عنوان و چاپ شده است.

این مطلب - که فشرده‌ی آن گفت‌وشنود است - در عین حال بیانگر علل و انگیزه‌های راه‌اندازی «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» است و دربرگیرنده‌ی «شرح وضعیت» و «کارنامه‌ی شش‌ساله‌ی آن» و می‌دانی که «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» یکی از نشریات «مانا» و تأثیرگذار «گذشته معاصر» است.

نشریه‌ای که در دهه‌ی پرتب و تاب ۵۰ - ۱۳۴۰ با تیراژی قابل توجه در «رشت» منتشر و در سراسر کشور - و خارج از کشور - پخش و توزیع می‌شد، و از همکاری اغلب نویسندگان، شعرا، و هنرمندان معاصر برخوردار بود.

به هر حال، امید آنکه این نوشته برای صفحه‌ی جدید کلک: «نشریات گذشته ایران» مفید و مناسب باشد.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.



«حسن عابدینی» هدف عمده‌ی تألیف کتاب «صد سال داستان‌نویسی در ایران را در شرح نحوه‌ی تکامل ادبی در ایران معاصر» می‌داند. از اینرو «بر مبنای مشهورترین رویدادهای تاریخی و فرهنگی» داستان‌نویسی ایران را در چند دوره‌ی زمانی به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱- از اولین تلاش‌ها تا ۱۳۲۰

۲- از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

۳- از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲

۴- از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷

«عابدینی در سرفصلهای کتاب، گزارشی از وضعیت اجتماعی - ادبی هر دوره به رشته‌ی تحریر می‌کشد آنگاه می‌کوشد تا «انعکاس این وضعیت را در دستاوردهای هر دوره باز» نماید.

نویسنده در گذر از دوره‌ی چهارم و شرح وضعیت اجتماعی - ادبی دهه‌ی ۴۰ تا ۵۰ است که به زمان شکل‌گیری «نهضت ادبیات ناحیه‌ای و هنگام خیزش «جنگ‌های شهرستانی» می‌رسد و چنین می‌نویسد:

«... کوششهای پراکنده در دهه‌ی چهل به جریانی منظم و قوی مبدل می‌شوند... جنگ‌های محلی پدیدار می‌شوند و در آنها برای نخستین بار سخن از نهضت ادبیات ناحیه‌ای به میان می‌آید. نخستین جنگ شهرستانی ویژه‌نامه هنر و ادبیات در خرداد ماه ۱۳۴۴ در رشت منتشر می‌شود و به دنبال آن جنگ‌های هیرمند و پارت در مشهد، مهد آزادی و سهند در تبریز، فلک‌الافلاک در خرم‌آباد، جنگ در اصفهان، هنر و ادبیات در جنوب، و جنگ‌های بسیاری

در تهران، یکی پس از دیگری منتشر می‌شوند و در بحبوحه‌ی انتشار رنگین‌نامه‌ها نوعی ادبیات مقاومت در این جنگ‌ها شکل می‌گیرد. هر چند به علت‌های مالی و سیاسی، نشر هر جنگ بیش از چند شماره نمی‌پاید اما پایگاهی برای روشنفکران پیشرو و شکل‌گیری استعداد‌های تازه است...» صفحه‌ی ۱۱۰!

قبل از اینکه به یادآوری نکات مورد نظرم بپردازم جا دارد بگویم که بررسی «عابدینی» از نحوه‌ی شکل‌گیری «جنگ‌های شهرستانی» و نگرش وی به مسئله‌ی «نهضت ادبیات ناحیه‌ای» - و نوعی «ادبیات مقاومت» - مبتنی بر تحقیقی واقع بینانه است، و به عبارت دیگر نمایشگر پرهیز این نویسنده از سطحی‌نگری.

«عابدینی» نقش تاریخی - فرهنگی نشریات و جنگ‌های شهرستانی را در دهه‌ی ۵۰ - ۴۰ و «در بحبوحه‌ی انتشار رنگین‌نامه‌ها» برای تحمیل فرهنگ وابستگی، به درستی می‌بیند، و در جای جای «صد سال داستان نویسی در ایران» از این نقش سخن می‌گوید، به ویژه «نخستین حرکت» را - آنچنان که در بالا آمده است - می‌جوید و می‌شناسد و می‌شناساند.

کار بررسی و تحقیق جز این نیست: دقت، حوصله، پی‌جویی، ریشه‌یابی، واقع‌بینی، و واقع‌نویسی. اما متأسفانه پاره‌ای از عزیزان در این کار به نوعی سطحی‌نگری بسنده می‌کنند، یعنی بی‌توجه به اهمیت مسئله، و تأثیر آن در نوع دید و اندیشگی و داوری نسل‌های بعد، از به کارگیری دقت و انجام حوصله‌ی لازم سرباز می‌زنند، در نتیجه از پی‌بردن به «ریشه» و «نمودن» آن باز می‌مانند، و به بیراهه یا کج‌راهه می‌افتند.

مثلاً در بررسی از همین «جنگ‌های شهرستانی» شاعر، نویسنده، و منتقد گرامی «رضا براهنی» در مقدمه‌ی مجموعه شعر «ظل‌الله» - چاپ دوم ۱۳۵۸ - چنان از روی بی‌دقتی و بی‌حوصلگی مرزهای «تقدم و تأخر» را می‌شکند و «حرکت نخستین» - و آثار بعدی این حرکت را - مخدوش می‌کند که خواننده‌ی ناآشنا، ضمن آشنایی با نام‌هایی درهم ریخته، به درک این مهم که «آغاز» کی و کجا و چگونه بوده و «ریشه» کدامین؟ هیچگونه توفیقی نمی‌یابد.

به هرصورت کار «عابدینی» در تحقیق از صد سال داستان‌نویسی در ایران با تلاشی شایسته‌ی تحسین سامان یافته، و نحوه‌ی تکامل ادبی معاصر نیز - بر اساس مهمترین رویدادهای تاریخی و فرهنگی دوره‌های مختلف این صد سال - تقریباً به خوبی بازگو شده است.

••

حال به ذکر توضیحات و نکاتی می‌پردازم که در حاشیه‌ی اشارات «عابدینی» به

جنگ‌های شهرستانی، و نشریه‌ی «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» لازم و ضروری دیده‌ام:

الف- «ویژه‌ی هنر و ادبیات» جمعاً ۴۲ شماره و در دو دوره به شرح زیر منتشر شد:

دوره اول ۳۱ شماره؛ از خرداد ۱۳۴۴ تا بهمن ۱۳۴۶، و دوره دوم در پی ده ماه توقیف ۹ شماره؛ از آذر ۱۳۴۷ تا بهمن ۱۳۴۸ با استفاده از امتیاز روزنامه محلی «بازار» رشت، و ۲ شماره؛ به دنبال هفت ماه توقیف، در پایانی سال ۱۳۴۹ با بهره‌گیری از امتیاز روزنامه محلی دیگری از رشت با نام «سایبان».

ب- «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» خلاف آنچه که در فهرست راهنمای «صد سال داستان‌نویسی در ایران» آمده، ماهنامه بود نه گاهنامه، و جدا از دو مورد توقیف ده ماهه و هفت ماهه، در آغاز هر ماه مرتباً منتشر می‌شد.

ج- این دیدگاه نویسنده‌ی «صد سال داستان‌نویسی در ایران» که «علت مالی» - یا مشکل مادی - باعث گردید تا در آن دوره - دهه‌ی ۵۰-۱۳۴۰ - «نشر هر جنگ بیش از چند شماره نباید» درست نیست. چرا که تمامی این جنگ‌ها به محض انتشارشان با استقبال گرم و پرشوری از سوی علاقه‌مندان به هنر و ادبیات مواجه می‌شدند، و به اصطلاح فروش و «بازده» خوبی داشتند. از نقطه نظر زمانی نیز پاره‌ای از آنان - مثل «جنگ اصفهان» بسیار دوام آوردند. منتها چون اکثراً «فصلنامه» یا «گاهنامه» بودند طبیعتاً فاصله‌ی انتشارشان به درازا می‌کشید. در نتیجه تعداد شماره‌های منتشر شده‌شان، رقم بزرگی را در کارنامه‌هایشان به ثبت نرساند.

دلیل آنکه تعدادی از این جنگ‌ها در نیمه‌ی راه ماندند و متوقف شدند وجود همان «علت سیاسی» بود که نویسنده‌ی «صد سال داستان‌نویسی در ایران» هم به آن اشاره داشت.

جالب اینکه همین علت هم مانع از پیدایی و برپایی جنگ‌های تازه نشد. به این معنا که اگر یکی متوقف می‌شد دیگری جای خالی او را پر می‌ساخت: «هنر و ادبیات جنوب» چنانچه می‌ماند «صدا» از آبادان برمی‌خواست. «مهد آزادی» و «سهند» اگر در تبریز متوقف می‌گردید «رُغند - پژواک» از همین نقطه به راه می‌افتاد. و همینطور فصلنامه و گاهنامه‌ی «دست» و «شعر تا قصه» ی شیراز، و... به این ترتیب انتشار جنگ‌های شهرستانی، و تهرانی - در پی انتشار «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» ادامه یافت.

کاروان دیگر به راه افتاده بود، و میدان برای تاخت و تاز «رنگین‌نامه‌ها» خالی نمانده

بود...

و اما «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» هم «علت مالی» - یا مشکل مادی - نداشت چرا

که این نشریه‌ی ماهانه اولاً فاقد کادر تحریریه و حقوق‌بگیر بود و نویسندگان و مترجمین مطالب آن هم در قبال نشر آثارشان توقع و انتظاری نداشتند، در ثانی از «بُرد» و تیراژی وسیع در سطح کشور - و خارج کشور - برخوردار بود، و «بازده» مادی‌اش نه تنها به طرز منظوبی مخارج طبع و نشرش را پاسخگو می‌شد بلکه اضافاتی هم بر جای می‌نهاد که نشریه آن اضافات را، ضمن اجرای طرحهایی در راستای اهداف هنری و ادبی‌اش، هزینه یا مایه می‌ساخت.

مثلاً انتشار مجموعه شعرهایی از شعرای جوان خطه‌ی گیلان، یا دعوت از گروههای نآتری مرکز - گروههای مستقل و غیروابسته - و اجرای نمایشنامه‌هایی چون «حادثه در، ویشی» اثر «آرتور میلر»، و «دکتر استوک‌مان»، به ترتیب در مرداد و بهمن ۱۳۴۸ و در سالن دبیرستان «دکتر شهید بهشتی» فعلی رشت - از جمله‌ی این طرحها بود.

تا یادم نرفته حاشیه‌ای باز کنم و بگویم که: اجرای طرح دوم، که قرار بود حداقل یک بار در ماه استمرار یابد، پس از روی صحنه آوردن دو نمایش فوق، متوقف شد. علت هم حادثه‌ی هیجان‌انگیز و خودجوشی بود که در دومین شب نمایش «دکتر استوک‌مان» به شرح زیر روی داد:

در صحنه‌ای از نمایش، دکتر استوک‌مان برابر جمعیت کثیری سخنرانی پرشوری ایراد می‌کرد، و سخنرانی را با شعار «مرگ بر دیکتاتوری، درود بر آزادی» به پایان می‌برد. این شعار در همین مقطع می‌بایست وسیله‌ی شرکت‌کنندگان در آن اجتماع، با صدایی رسا و حالتی مهیج، چندین بار تکرار و بازگو می‌شد.

شب اول نمایش، صحنه‌ی مزبور به همین شکل اجرا شد. اما در شب دوم کارگردان ترجیح داد که این صحنه به شیوه‌ی نمایشنامه‌های «برشت» اجرا شود. به همین خاطر قبل از شروع نمایش تعدادی از بازیگران را در سالن، به صورت پراکنده بین تماشاگران - بی‌آنکه آنان متوجه شوند، نشانند. نقش این بازیگران، نشسته در جمع تماشاگران هم، مشخص بود: هم‌آوایی با شرکت‌کنندگان در سخنرانی - یعنی بازیگران روی صحنه - به هنگام دادن شعار.

زمانی که دکتر استوک‌مان به نقطه‌ی انتهایی سخنرانی‌اش رسید و فریاد زد «مرگ بر دیکتاتوری، درود بر آزادی» آن چند بازیگر نشسته در سالن هم، طبق برنامه، با مشت‌هایی گره کرده و صورتی برافروخته همراه بازیگران صحنه، به تکرار و بازگویی شعار پرداختند. در همین لحظه ناگهان عده‌ای از تماشاگران که چیزی از قراردادی بودن این صحنه

نمی‌دانستند، به تصور آنکه جریان واقعی است و تظاهراتی علیه رژیم دیکتاتوری شاه شکل گرفته، همپای بازیگران از جای برخاستند و همصدا با آنان فریاد کشیدند: مرگ بر دیکتاتوری، درود بر آزادی.

نظم سالن به هم ریخت. نمایش، لحظاتی سیر طبیعی خود را از دست داد. اما به تدریج که آن عده تماشاگر هیجان‌زده، از نمایشی بودن صحنه آگاه شدند و به خود آمدند و آرام گرفتند، نمایش هم به روال عادی تا پایان ادامه یافت.

از تفصیل رخدادهای بعدی - یعنی پیچیدن خبر این جریان خودجوش در تمامی شهر، و مداخله‌ی ساواک و... می‌گذرم، تنها به ذکر نکته‌ی جالب دیگری درین رهگذر بسنده می‌کنم که: یکی از بازیگران همین نمایشنامه در رشت، خالقِ رمان معروف «کلیدر» و نویسنده‌ی توانای معاصر «محمود دولت‌آبادی» بود.

به این ترتیب در پی نمایش «حادثه در، ویشی»، اجرای «دکتر استوک‌مان» در رشت به حادثه انجامید! و شرح آن ما را از وضعیت مالی نشریه دور ساخت.

به هر حال «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» همانطور که قبلاً گفتم به دلیل نداشتن کادر تحریریه و اداری حقوق‌بگیر، و نیز به اتکای بالا بودن سقف تیراژش، هیچگونه مشکل مادی و مالی نداشت. از اینرو توفیق آن را یافت که شش سال - و ۴۲ شماره -، نه به روایت عابدینی چند شماره، دوام یابد و بپاید.

در طول ۶ سال یادشده البته «علت سیاسی» یا مشکل سیاسی، - گذشته از دو بار توقیف - پایی «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» می‌شد و مانعی برای تداوم انتشارش. اما به هر ترتیب از خرداد ۱۳۴۴ تا اسفند ۱۳۴۹ - که رژیم شاه به دستاویز رویداد سیاهکل هجوم تازه‌ای را برای تحمیل کامل «فرهنگ وابستگی» تدارک دید - توانست پایمردی کند، و از ادامه‌ی راه بازماند.

د - «عابدینی» گر چه در صفحه‌ی ۱۱۰ «صد سال داستان‌نویسی در ایران» مربوط به دهه‌ی ۵۰ - ۱۳۴۰ به درستی می‌نویسد که: «برای نخستین بار سخن از نهضت ادبیات ناحیه‌ای به میان می‌آید» اما متأسفانه از ذکر خاستگاه اولیه‌ی این سخن، غفلت می‌ورزد. «گفت‌وشنودی در باره‌ی چوب بدست‌های ورزیل و نهضت ادبیات ناحیه‌ای» مندرج در صفحات ۶ و ۷ شماره‌ی ششم «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» - آبان ۱۳۴۴ - گواه چنین غفلتی است.^۲

اصولاً هدف از انتشار «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» - در وهله‌ی نخست چیزی جز برپائی همین «نهضت ادبیات ناحیه‌ای» و رویکرد به نوعی «ادبیات مقاومت» نبود. چرا که به قول «عابدینی» ببحوجه‌ی انتشار رنگین‌نامه‌ها برای تحمیل فرهنگ وابستگی بود. به سخن دیگر، رژیم در جهت امحاء کامل فرهنگ ملی‌مان بیش از همه قلب تپنده‌ی هنر و ادبیات

اصیل مان را نشانه گرفته بود. از اینرو گذشته از رادیو و تلویزیون کلیه نشریات کشور را در اختیار و در خدمت خود داشت. تبلیغ فرهنگ، هنر و ادبیات فرمایشی، و ترویج ابتذال، ابتدالی سخت تهوع آور، دستور روز برای این نشریات - یا همان رنگین و ننگین نامه‌ها - بود.

در مقابله با این هجوم همه‌سویه، و ابتذال گسترده، «کوششهای پراکنده» و جرعه‌های هرازگاهی (انتشار تعدادی کم‌شمار از جنگ‌های نامنظم تهرانی) گر چه مفید بود اما کارایی لازم را نتیجه نمی‌داد. زنده یاد «جلال آل احمد» در تحلیلی کوتاه از وضعیت اجتماعی - ادبی دوران مذکور چنین می‌نویسد:

«فعلاً تهران... از این سواد اعظم بودن فقط سرگردانی‌های عظیم را دارد و دو سه تا مجله‌ی ادبی را که هر کدام بدل شده‌اند به واحه‌های کوچک و خوش آب و هوایی که دوستان آن کنار کشتی و لب آبی نفس تازه می‌کنند... عیب دیگر سواد اعظم این است که زهر آدم را می‌گیرد و همه را سربراه می‌کند اگر نه سروته یک کرباس - و دست به عصا و بی‌خطر و همان عیناً یک قناری آویخته از پنجره...» - از نامه‌ی «آل احمد» به نگارنده، به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۵.^۲

در چنین شرایطی لزوم یک حرکت جدی مطبوعاتی و انتشاراتی کاملاً حس می‌شد. این حرکت می‌بایست چنان پی‌گیر و مقاوم و حساب شده صورت می‌گرفت که به دنبال خویش حرکت‌های پرشمار دیگری را برمی‌انگیخت.

«تهران» آمادگی لازم را برای تحقق این مهم نشان نمی‌داد. ناچار «شهرستانی» از چهارگوشه‌ی این ملک باید همت می‌کرد، و... چنین شد که سرانجام «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» از «رشت» حرکت نخستین را آغاز کرد.

این حرکت به همان صورت که اندیشیده شده بود به تدریج «به جریان‌ی منظم و قوی» مبدل شد و از این رهگذر «نهضت ادبیات ناحیه‌ای» که هدف نخستین «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» بود شکل گرفت.

گفتمنی است که «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» با انتشار هر جنگ جدید سخت شادمان می‌شد، چرا که جبهه‌ی تازه‌ای را در جهت تقویت «نهضت ادبیات ناحیه‌ای» گشوده می‌دید. به همین خاطر خبر و تریک انتشارشان را نه در صفحات داخلی‌اش، که درست خلاف عرف رایج مطبوعات، در سرمقاله‌اش («سخن آشنا») منعکس می‌ساخت.

با مروری بر «سخن آشنا» ی شماره دوازدهم - اردیبهشت ۱۳۴۵ - به عنوان نمونه، این بخش از سختم را به پایان می‌برم:

«سخن از آشنایی گوئیم و یگانگی، که بیگانگی و ناآشنایی تلخی‌ست و

وحشت، چونان سکوت و ظلمت.

هنگامی پرشوریست و یاران از گوشه و کنار - به هر حال - با آوایی خوش، ندا در داده‌اند: از اصفهان «جنگ اصفهان»، از جنوب «هنر و ادبیات جنوب»، از تبریز «مهد آزادی»، و از تهران «جنگ طرفه».

یاد باد که ما هنگام آغاز، چه تنها بودیم و آوازان چه اندوهگین در «جمع» پریشان می‌نشست - جمعی که یقین‌شان با «تردید» بود و تردیدشان با دریغ همراه. - اما امید صادقی که در ما بود سرانجام، آنچنان که می‌بینیم، چه نیک درخشید و سدّ بیم از پذیرفته نشدن و را کد ماندن چه زود شکست.

اگر روز و روزگاری - که هیچگاه میاد و مباد! - بال پروازمان شکست و نهال آوازان، دیگر تأسفی در ما نخواهد نشست، چون همینقدر که تردید را از میانه برداشتم و چنین جنبش و تحرکی را - ازین گوشه‌ای که ساکت بود و آرام - باعث آمدم، خوشحالم.

درین هنگامی خوش، آواز قدیم را شادمانه سر می‌دهیم، تولدهای تازه را تبریک می‌گوئیم، دوام و بقایشان را آرزو می‌کنیم، و چشم‌انتظار تولدهای دیگریم».

هـ- از دیگر هدفهای عمده «بازار - ویژه هنر و ادبیات» ایجاد پایگاهی مطمئن برای «شکل‌گیری استعدادهای تازه» بود. «بازار - ویژه هنر و ادبیات» با چاپ آثار برگزیده شعر و نویسندگان جوان و نوپا - به ویژه شهرستانی‌ها - این امکان را به آنان داد که از انزوای دیرپا و آزاردهنده‌شان به در آیند و خود را و آثارشان را نشان دهند. از رهگذر چاپ این آثار، استعدادهای فراوانی بارور شد. «نام» های بسیاری برخاست. و آثار قابل تأملی بر جای ماند.

تعدادی از این «نام» ها - که برای نخستین بار در «بازار - ویژه هنر و ادبیات» مطرح شدند - در کتاب «صد سال داستان‌نویسی در ایران» آمده، و آثارشان نیز در زمینه داستان، کم و بیش بررسی شده است. اما «نام» های دیگری هم در سایر شاخه‌های هنری و ادبی - به ویژه شعر - وجود دارند که آغازشان با «بازار - ویژه هنر و ادبیات» بود و طبعاً نمی‌توانستند در محدوده‌ی بررسی کتاب مزبور بگنجند.

شمار این عزیزان، کم نیست. به قول معروف بسیارند! و به راستی اگر در آن زمان پاره‌ای از آنان نهال‌های خرد و کوچکی بودند، اکنون هر یک درخت‌های بزرگ و تنومندی شده‌اند با شاخه‌ها و برگ‌هایی انبوه.

خوشبختانه تعدادی از این یاران صمیم، «خاستگاه» اولیه‌ی خود را، هنوز هم در پی گذشت ربع قرن فراموش نکرده‌اند و گه‌گاه، اینجا و آنجا، صدقانه کلامی از این مقوله به میان

می کشند ...

وقتی که در چند و چون آغازین اینگونه عزیزان و موقعیت فعلی شان در ادب معاصر دقیق می شوم، یادآوری و تکرار این «توصیه» ی دیربازم را به همه ی ناشران کتب، گردانندگان جنگ های هنری - ادبی، مسئولان صفحات شعر مجلات و ماهنامه های فرهنگی، لازم تر می بینم: اگر به واقع برای فرهنگ، هنر و ادب این ملک دل می سوزانید و قصد خدمت دارید، نوخاستگان جوان را هیچگاه دست کم نگیرید. از اندیشه ها و شیوه های تازه شان نهراسید. به آنان میدان دهید و آثارشان را - بی توجه به «گمنامی» ها و «بی نامی» هایشان چاپ کنید. تنها با اتخاذ چنین شیوه ای است که استعداد های جدید شکل می گیرند، «چهره» های تازه پدیدار می شوند، و در نتیجه آثار پرتراوتی به وجود می آیند. در غیر این صورت دلخوش شدن، قانع بودن، و اتکا داشتن مدام و مکرر به «چهره» های قدیمی - که نام و حرمتشان، و آثار و رهنمودهایشان مستدام و برقرار باد - «ماندن» و «دست و پا زدن» در محیطی تنگ و بسته است، محیط تنگ و بسته ای که ما را به هیچ نقطه ی روشنی از تحرک و تکامل نمی رساند، و امید صادقی را به آینده در دل هایمان بارور نمی سازد.

... باری، ایجاد پایگاهی مطمئن برای شکل گیری و شکوفایی استعداد های تازه - همانطور که گفتم - از دیگر هدفهای عمده ی «بازار - ویژه ی هنر و ادبیات» بود، و این نشریه در تحقق چنین هدفی - به شهادت یکایک شماره های منتشر شده اش - از هیچگونه تلاش و کوششی دریغ نکرد.

••

دو هدف عمده ی «بازار - ویژه ی هنر و ادبیات» را، با توضیحاتی در حاشیه ی کتاب «صد سال داستان نویسی در ایران»، برشمردم. ذکر موارد دیگر (شرح امکانات بسیار محدود و ابتدایی چاپ چنین نشریاتی در شهرستانها در آن هنگام، مشکلات پخش و توزیع، بهانه جویی ها، کارشکنی ها و اشکال تراشی های مداوم و متعدد کارگزاران مطبوعاتی رژیم پهلوی - که هدف نهایی آن تعطیل مطبوعات مستقل و غیر وابسته بود - و «شگرد» هایی که در گریز از این بهانه جویی ها و کارشکنی ها و اشکال تراشی ها به کار گرفته می شد، و ... کلاً نقل خاطراتم از دوران انتشار ماهنامه) می ماند تا نشست و فرصت بعدی اگر البته عمری باقی بود و قلب بیمارم از تپش باز نماند.

در این مقطع اجازه می خواهم تا واقعیت مهم دیگری را نیز - که اساسی ترین موضوع این گفتگوست - بیان کنم، و سختم را به پایان برم:

«بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» با مسئولیتی که از آغاز برعهده گرفت توانست جریان تاریخی - ادبی را در دوره‌ای شکل دهد، و به سامان رساند. به کلامی دیگر، در آن بحیوچه‌ی انتشار رنگین‌نامه‌ها در طریقی درست گام نهد، اعتباری شایسته کسب کند، و به انجام خدمتی به یاد ماندنی و ارزنده توفیق یابد. اما در کسب این اعتبار و توفیق خدمت، سهم من - به عنوان «گرداننده» - بسیار ناچیز و اندک است. چرا که اگر «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» از همکاری‌ها و همراهی‌های یکپارچه و بی‌دریغ عزیزان شاعر، نویسنده و هنرمندان در چهارگوشه‌ی این ملک برخوردار نبود - و نیز از یاری‌ها و همگامی‌های خوانندگان کثیر، پرشور، و دل‌آگاه - بی‌گمان هرگز نه نشریه‌ای ماندگار می‌شد و نه اینکه توفیق خدمتی می‌یافت.

••

در پایان با استفاده از فرصتی که پیش آمد، ضمن تشکر، بی‌مناسبت نمی‌بینم این نکته را نیز یادآور شوم که طرح روی جلد دوره‌ی اول «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» اثر هنرمند گرامی «مرتضی همّیز»، و طرح روی جلد دوره‌ی دوم، کار دوست دیرینه‌ام «محمدرضا اصلانی» - شاعر و فیلمساز، و مسئول فعلی «انتشارات نقره» است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- ۱ - برجستگی حروف و مشخص ساختن آنها، از این قلم است نه نویسنده‌ی کتاب.
- ۲ - گفت و شنودی است بین عزیزانم «سیروس طاهباز» و «محمود طیاری» در مورد اجرای «چوب بدست‌های ورزیل» و نقش «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات» در راه‌اندازی «نهضت ادبیات ناحیه‌ای».
- ۳ - متن کامل این نامه، و پاسخ آن، هم در شماره‌ی هفدهم (مهر ۱۳۴۵) «بازار - ویژه‌ی هنر و ادبیات»، و هم در کتاب «نامه‌های جلال آل احمد» (به کوشش «علی دهباشی» انتشارات پیک - حاب اول، - پانزیم ۶۴ - آمده است.